

آموزش ناشنوایان در مؤسسات عادی آموزشی

دکتر خسرو مینتی

کودکان ناشنوا نسبت به کودکان شنوایان کم است و در هر مدرسه عادی نمی‌توان برای تعداد کمی ناشنوا یک کلاس مخصوص دایر کرد راه حل جمع آوری کودکان ناشنوا و تمرکز آموزش آنان در یک محل یعنی تأسیس مدارس مخصوص ناشنواها است. این راه حل با مانع دوری راه اطفال ناشنوا تا مدرسه خاص مواجه بود که در طی تاریخ با تأسیس مراکز شبانه روزی مخصوص ناشنواها و تأمین مجانی وسیله ایاب و ذهاب کودکان ناشنوا و یا

وخوان پابلوبونت (Juan Pablo Bonet) اولین کلاسهای آموزش کودکان ناشنوا را تشکیل دادند، (صفحه ۷ مقدمه مآخذ) لزوم آموزش ویژه کودکان ناشنوا در مدارس اختصاصی ناشنوایان هم مورد قبول قرار گرفت، زیرا منطقی است که اگر برای حل مشکل ارتباطی کودکان ناشنوا برنامه آموزشی خاص لازم دانسته شود (که چنین است) اجرای این برنامه تشکیل کلاسهای خاص ناشنوایان را هم ایجاب می‌کند و چون تعداد

فلسفه تأسیس مدارس اختصاصی ناشنوایان

از حدود چهارصد سال قبل که طی سالهای ۱۵۰۰ و ۱۶۰۰ میلادی پیش آهنگان آموزش ناشنوا در اسپانیا پدرو پونسه دولئون (Pedro Ponce de leon) و مانوئل رامیرز دو کاریون (Manuel Ramirez de carrion)



پرداخت هزینه ایاب و ذهاب در کشورهای پیشرفته این مانع مرتفع گردید.

فلسفه و تاریخچه الحاق و اختلاط

اینکه بعد از حدود سه یا چهار قرن وجود بلا معارض مؤسسات اختصاصی آموزش ناشنوایان چه شخصی یا گروهی نظر و فلسفه الحاق و اختلاط یا آموزش فراگیر را مطرح کرده سؤالی است که من با کاوش در منابع در دسترس خود جواب آنرا نیافته‌ام ولی آنچه مسلم است فلسفه تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیلی از سال ۱۹۵۰ میلادی مورد قبول و عمل بعضی کشورها قرار گرفته است (ص ۶ مأخذ) و به این قرار، اختلافی به اختلافات گذشته درباره آموزش کودکان اضافه شده است. زیرا قبلاً در اصل ضرورت مدارس اختصاصی برای آموزش ناشنوایان بحث و اختلاف نظری نبود و اختلاف به روش آموزش کودکان ناشنوا در این مؤسسات اختصاصی منحصر می‌گردید.

فلسفه رسمی تلفیق

و هدایت در مسیر اصلی تحصیل این است که هر چه زودتر کودک ناشنوا با کودکان شنوا در یک محیط قرار بگیرد و برای آمادگی و تفهیم و تفاهم متقابل و همزیستی این دو گونه انسان بهتر خواهد بود.

موضع کشورها در قبال

روش تلفیق و هدایت در

مسیر اصلی تحصیلی

موضع و عملکرد کشورها درباره تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیل به شرح زیر متفاوت است:

۱- در کشور سوئد با این فلسفه که ناشنوایان یک اقلیت فرهنگی هستند و بر مبنای رعایت حقوق آنها به عنوان یک اقلیت فرهنگی و عدم تبعیض حق دارند مؤسسات آموزشی مناسب خود را داشته باشند فلسفه تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیل مورد استقبال قرار نگرفته است. (صفحه ۳۶۴ مأخذ)

۲- در استرالیا طی چهل سالی که از دهه ۱۹۵۰ آغاز شده تا سال ۱۹۹۰ تقریباً تمامی مدارس مخصوص ناشنوایان بسته شده و در حال حاضر فقط برای کودکان ناشنوا با معلولیت اضافی دیگر مدرسه مخصوص وجود دارد و بنابراین می‌توان گفت که در استرالیا کودک ناشنوا که معلولیت دیگری نداشته باشد مجبور است در مدارس عادی تحصیل کند.

۳- در کشورهای دیگر مثل کانادا، آمریکا، فرانسه، ژاپن، دانمارک، عربستان سعودی و غیره الحاق یا اختلاط یعنی آموزش کودکان ناشنوا در مدارس عادی بنابر شرایط خاص کودک یک حق، یک انتخاب و یک امکان یا روش استثنایی آموزش کودک ناشنوا است و در لزوم حفظ مؤسسات اختصاصی آموزش ناشنواها تردید و بحثی نیست.

علل اختلاف مواضع کشورها

برخی از نویسندگان اختلاف طولانی درباره روش آموزش کودکان ناشنوا را ناشی از عوامل سیاسی دانسته‌اند (صفحه ۹ کتاب دو قلوها هرگز یکدیگر را ملاقات نخواهند کرد) ۱.

تألیف ریچارد و اینفیلد از انتشارات دانشگاه گالودت چاپ دوم سال ۱۹۹۶.

صرف نظر از بعضی شواهد استنادی آن نویسندگان، شخصاً با این عقیده موافقم که در موارد قابل توجهی عوامل سیاسی با معنای وسیع عبارت در موضع‌گیری کشورها درباره روش آموزش کودکان ناشنوا از جمله تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیل بر ملاحظات فنی محض غلبه داشته‌اند و این عوامل عبارتند از وضع جغرافیایی و اقتصادی و مالی، سطح فرهنگ عمومی، خودخواهی‌ها و تعصبات بشری و از همه جالب‌تر بر کنار ماندن ناشنوایان از مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های راجع به روش آموزش آنان است. اگر بستن مدارس مخصوص ناشنوایان در استرالیا یا تأسّف و عزای جامعه ناشنوایان مواجه شده است (صفحه ۱۱ مأخذ) و علیرغم مخالفت جامعه ناشنوایان مدارس مخصوص آنان بسته شده، برای این بوده است که در آن کشور پنهان‌ور تأسیس و نگهداری مدرسه مخصوص ناشنوایان گران تمام می‌شد و اگر در کانادا بستن مدارس مخصوص ناشنوایان منتهی شده بخاطر رعایت منشور حقوق و آزادی‌های ۱۹۸۲ کانادا (صفحه ۳۲ مأخذ) و شناخت ناشنوایان به عنوان یک اقلیت فرهنگی و مخالفت شدید و سازمان یافته جامعه ناشنوایان در این کشور بوده است (صفحه ۳۶ مأخذ) و اگر در کشورهای کوچکی از نظر

مساحت مثل داتمارک، هلند، سوئیس و ژاپن فکر بستن مدارس مخصوص ناشنوایان مطرح نیست علاوه بر عوامل فرهنگی عامل کوچکی سطح کشور و امکان نگهداری مدارس مخصوص ناشنوایان مؤثر است.

مسائل و مشکلات تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیلی

مسائل و مشکلات تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیل با اختلاف در شدید و ضعف آن برقرار زیر است:

- ۱- مشکل ارتباطی
- ۲- مشکل فرهنگی

در مورد مشکل ارتباطی باید توجه داشت که هرچقدر هم دانش آموز ناشنوا در گفتار خوانی ماهر و در تولید گفتار واضح قادر باشد نسبت به همشاگردیهای شنوای خود در یک کلاس ناتوان خواهد بود. برای حل این مسئله ارتباطی دانش آموزان ناشنوا در کلاسهای عادی لااقل برای درسهای نظری حضور معلم اضافی به عنوان

کمک معلم و یا مترجم و یا یادداشت نویس در کلاس اصلی پذیرفته شده است هرچند در عمل این پشتیبانی آموزشی بطور وسیع در همه کشورها معمول نیست و یادداشت نویس (Note taker) هم جای معلم رابط و یا مترجم را نمی گیرد.

در مورد مشکل فرهنگی قابل توجه است که یک ناشنوا حتی در محفل خانوادگی یا خویشان شنوای خود احساس بیگانگی می کند زیرا گفتگوی آنها را نمی تواند کاملاً درک کند و از این کم فهمی خسته می شود و محیط را برای خود آزار دهنده و نامأنوس می بیند و به همین جهت ناشنوایان دیدار با دوستان ناشنوای خود را به دیدار اقوام شنوای خود ترجیح می دهند. این دو مشکل در مدارس عادی فشار روحی و عصبی شدیدی به دانش آموز ناشنوا وارد می کند که می تواند حالت خشم و عصبانیت نهفته و انفجاری و ناهنجاری رفتاری و یا افسردگی روحی کودک ناشنوا را موجب گردد.

بازگشت و خروج ناشنوایان از مؤسسات آموزش عادی
عدم استفاده دانش آموز ناشنوا از کلاس عادی به سبب فقدان یا غیر کافی بودن خدمات پشتیبانی آموزشی لازم و آثار مشکلات فوق و عوامل دیگر موجب آن است که همه دانش آموزان ناشنوا نتوانند به تحصیل در کلاس عادی ادامه دهند و به همین جهت در غالب کشورها که تلفیق و هدایت در مسیر اصلی تحصیل را یک حق و نه یک تکلیف می دانند یعنی در بیشتر کشورها راه بازگشت به مدارس ناشنوایان باز است. در خصوص انصراف دانش آموزان ناشنوا از ادامه تحصیل در مؤسسات عادی آموزشی در ژاپن تحقیقی شده که نتیجه آن بشرح زیر است:

سال مقطع	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	جمع
ابتدایی	۳	۶	۵	۲	۴	۲۰
سیکل اول	۶	۸	۱۰	۱۱	۲	۳۷
سیکل دوم	۱۳	۳۴	۳۵	۲۵	۲۴	۱۳۱
جمع	۲۲	۴۸	۵۰	۳۸	۳۰	۱۸۸

بیشتر از شصت درصد این دانش‌آموزان که به مدارس ناشنوایان بازگشته‌اند دلایل عمده بازگشت خود را بشرح زیر اظهار کرده‌اند:

- ۱- موفقیت ناچیز تحصیلی در مدرسه عادی.
- ۲- شکست در امتحان ورودی مدرسه متوسطه.
- ۳- توصیه مشاوران راهنمایی مدارس عادی.
- ۴- نیازهای اجتماعی و احساسی دانش‌آموزان و اولیای آنها. (صفحه ۲۱۱ مأخذ) درباره علت بازگشت حدود چهل درصد دیگر، گزارش مطلبی را مطرح نمی‌کند و اگر دقت شود می‌توان گفت که عامل مؤثر و پنهان پشت علل مذکور در مورد شصت درصد دیگر دانش‌آموزان مورد بررسی، آثار و عوارض منفی ناشی از مشکلات ارتباطی و فرهنگی آنها در یک محیط آموزشی اکثریت شناخته شده است.

تعارض اصل برابری فرصت‌ها با تلفیق و هدایت در مسیر اصلی اجباری

الزام ناشنوا به حضور و آموزش در یک محیط فرهنگی اکثریت شناخته شده با اصل برابری فرصت‌ها تعارض مسلم دارد زیرا با وجود بهترین و بیشترین خدمات پشتیبانی هم فرد ناشنوا را در شرایط نامساوی با همکلاسیهای شنوای خود قرار می‌دهد و لذا به رعایت اصل برابری فرصت‌ها حق دانش‌آموز ناشنوا است که در مدارس اختصاصی ناشنواها و محیط فرهنگی مناسب و مانوس خود تحصیل کند.

نتایج

- ۱- لزوم رعایت اصل تساوی فرصت‌ها و اجتناب از تبعیض و اعمال فشار بر ناشنوایان به عنوان یک اقلیت فرهنگی و تأمین شرایط و لوازم تلفیق و هدایت در مسیر اصلی و مسائل و مشکلات و موفقیت محدود آموزش ناشنوایان در مؤسسات عادی آموزشی ایجاب می‌کند که آموزش ناشنوایان در مؤسسات آموزشی مخصوص ناشنوایان اصل باشد و تلفیق و هدایت در مسیر اصلی ناشنوایان و شنوایان در مدارس عادی به عنوان یک راه حل استثنایی و اختیاری برای ناشنوایان مورد نظر قرار گیرد و نه تنها طریقه آموزش آنها.
- ۲- تلفیق و هدایت در مسیر اصلی اضطرابی و استثنایی باید با هرگونه اقدام لازم برای مناسب سازی فرهنگی محیط آموزش و مراقبت و مواظبت از دانش‌آموزان ناشنوا در میان اکثریت شنوای مدرسه همراه باشد و در موارد تلفیق تأمین یک معلم و یا مترجم مخصوص از جمله اقدامات لازم خواهد بود.
- ۳- اصل تساوی فرصت‌ها و جهات و دلایل تأسیس مؤسسات آموزش مخصوص ناشنوایان در دوره‌های پیش دبستانی و دبستانی و راهنمایی یا هنرستانی ایجاب می‌کند که برای آموزش عالی ناشنوایان هم مؤسسه آموزش عالی اختصاصی آنها در رشته‌های مناسب تشکیل شود.

گمان می‌رود اجتناب از همین نتیجه گیری بخاطر ناقابل و ناتوان شمردن ناشنوا برای آموزش عالی با وجود بار مالی و غیرمالی آن از جهات ناگفته پیدایش فکر تلفیق و هدایت در مسیر اصلی از پنجاه سال قبل بوده است در حالی که به دلایل عینی و بنا بر اصل تساوی فرصت‌ها طرز فکر مزبور در زمان حاضر غیر قابل دفاع و بی اعتبار است.

زیر نویس:

۱- مقصود از دو قلوها الکساندر گراهام بل طرفدار گفتار و ادوارد ماینر گالودت طرفدار اشاره در آموزش کودکان ناشنواست و این اختلاف به رویارویی و درگیری شدید آن دو در یک اجتماع معلمان ناشنوا در تابستان سال ۱۸۹۵ منجر گردید.

1- Richard winefield, 1996.
- "Never the twain shau meet"- Published by Galodet university ed.2. P9.

منابع: مأخذ اصلی این مقاله کتاب دورنمای کلی آموزش ناشنوایان در کشورهای منتخب می‌باشد که مشتمل بر گزارش ۲۶ کشور است. گردآورنده و ویراستار کتاب اچ. ویلیام برلج و تاریخ و محل چاپ اول کتاب سال ۱۹۹۹ میلادی در آرگون ایالات متحده آمریکا است. در این مقاله هر جا به مأخذ اشاره شده مقصود همین مجموعه است. در غیر این صورت از مأخذ مورد استفاده نام برده شده است.